



تصمیمی که کروناویروس بر ما تحمیل کرده:

کمونیسم جهان گستر یا قانون جنگل

اسلاوی ژیشک، ترجمه: صالح نجفی

حالا که کروناویروس به جان همه هول انداخته، وقتش رسیده که دست به انتخاب آخر بزنیم - یا عمل به سبعانه‌ترین منطق

تنازع بقا و بقای آنسب یا تلاش برای بازآفریدن کمونیسم بر اساس همکاری و تشریک مساعی کل جهان.

رسانه‌های ما مرتب عبارت قالبی «هول نکنید!» را تکرار می‌کنند. و بعد هر گزارشی که مخابره می‌شود تأثیری جز هول کردن

ندارد. وضعیت مرا به یاد وضعیتی می‌اندازد که در جوانی در کشوری کمونیستی تجربه کردم: وقتی مقامات حکومت به مردم

اطمینان می‌دادند که دلیلی برای هول کردن نیست، ما همگی این اطمینان‌دادن‌ها را نشانه‌های آشکار هول کردن خود آن‌ها

می‌گرفتیم.

- اوضاع وخیم‌تر از آن است که وقت را با هول شدن تلف کنیم

هول شدن منطق خود را دارد. اینکه در بریتانیای کبیر، بر اثر هول ناشی از شیوع کروناویروس در فروشگاه‌ها قحطی

دستمال‌های توالت هم پدید آمده مرا به یاد واقعه بس عجیبی مربوط به دستمال توالت در یوگوسلاوی سوسیالیستی در ایام

جوانی‌ام می‌اندازد. یکهو شایعه‌ای بر سر زبان‌ها افتاد که دستمال توالت کافی در مغازه‌ها موجود نیست. مقامات بدون فوت

وقت اطمینان دادند که دستمال توالت کافی برای مصارف معمول موجود است و عجباً که این حرف نه‌تنها راست بود بلکه

بیشتر مردم راست‌بودن آن را باور کردند.

البته عمده مصرف‌کننده‌ها چنین استدلال می‌کردند: می‌دانم دستمال توالت به مقدار کافی موجود است و این شایعه دروغ است ولی اگر بعضی‌ها این شایعه را جدی بگیرند و هول شوند و به فروشگاه‌ها هجوم ببرند و هرچه دستمال مانده بخرند و به این ترتیب راستی‌راستی قحطی دستمال توالت به وجود آورند، آن وقت من چه خاکی بر سر کنم؟ پس بهتر است همین حالا بروم و محض احتیاط هرچه می‌توانم دستمال توالت بخرم.

حتی لازم نیست باور کنیم دیگرانی هستند که شایعه را جدی می‌گیرند - کافی است از پیش فرض کنیم دیگرانی هستند که به وجود کسانی که شایعه را جدی می‌گیرند باور دارند - نتیجه فرقی نخواهد کرد: کمبود واقعی دستمال توالت در فروشگاه‌ها. آیا اتفاقی نظیر این امروز در بریتانیا (و نیز در کالیفرنیا) روی نمی‌دهد؟

قرینه غریب این نوع هول‌شدن بیش از حد اصلاً هول‌نکردن است، آن هم در اوضاعی که هول‌شدن در آن واکنشی کاملاً موجه است. در سال‌های اخیر، پس از تجربه شیوع سارس و ابولا، بارها و بارها شنیدیم که وقوع یک بیماری همه‌گیر خطرناک‌تر جدید حتمی است، یعنی مسئله این نیست که «آیا» روی خواهد داد یا نه، مسئله این است که «کی» روی خواهد داد. و اگرچه ما به‌طور منطقی صحت این پیش‌بینی‌های هولناک را پذیرفتیم اما به دلایل نامعلوم آن‌ها را جدی نگرفتیم و از آماده‌شدن جدی برای مقابله با بیماری‌های همه‌گیر جدید اکراه داشتیم - تنها جایی که با آن‌ها سروکار داشتیم در فیلم‌های آخرزمانی نظیر «شیوع» ساخته استیون سودربرگ در سال ۲۰۱۱ بود.

این تضاد حاکی از آن است که هول‌شدن شیوه درستی برای مقابله با تهدیدی واقعی نیست. وقتی در واکنش به یک تهدید هول می‌کنیم آن تهدید را زیادی جدی نمی‌گیریم. برعکس، آن را کم‌اهمیت جلوه می‌دهیم. ببینید چه مسخره است خرید دستپاچه دستمال توالت: انگار دستمال توالت کافی داشتن در میانه شیوع یک بیماری مهلک همه‌گیر دردی دوا می‌کند. پس واکنش مناسب به شیوع کروناویروس چیست؟ برای مقابله جدی با آن چه باید آموخت و چه باید کرد؟

- مراد من از کمونیسم

وقتی اظهار داشتم که شیوع کروناویروس ممکن است هوایی تازه برای تنفس کمونیسم پدید آورد چنانکه توقع می‌رفت دعوی مرا به سخره گرفتند. اگرچه به نظر می‌رسد برخورد قاطع دولت چین با این بحران کارگر افتاد - دست‌کم بسیار مؤثرتر از آنچه این روزها در ایتالیا شاهدیم - با وجود این منطق اقتدارگرای قدیمی کمونیست‌هایی که قدرت را در دست دارند محدودیت‌های خود را نیز هویدا کرد. یکی از این محدودیت‌ها این بود که ترس از گزارش خبرهای بد به کسانی که قدرت را در دست دارند (و البته به عموم مردم) بر نتایج عملی می‌چربد - گویا به همین علت بود که بنا به گزارش‌ها اولین کسانی که درباره شیوع ویروسی جدید خبررسانی کردند دستگیر شدند و گزارش‌هایی هست مبنی بر اینکه چیزی نظیر این همچنان روی می‌دهد.

بنا به گزارش بلومبرگ، «فشار برای راه‌اندازی مجدد کارها در چین پس از تعطیلی ناشی از شیوع کروناویروس رفته‌رفته وسوسه‌ای قدیمی را دوباره زنده می‌کند: دستکاری اطلاعات تا به مقامات ارشد همان چیزی را نشان دهد که می‌خواهند ببینند. این پدیده هم‌اینک در استان چجیانگ، مرکزی صنعتی در سواحل شرقی چین، در چندوچون مصرف برق جریان دارد. به شهادت آشنایان به موضوع، دست‌کم در سه شهر این استان حداقلی برای مصرف برق در کارخانه‌های محلی تعیین کرده‌اند زیرا می‌خواهند با دستکاری اطلاعات نشان دهند تولید در حال احیاشدن است. به گفته مردم، این قضیه بعضی شرکت‌ها را بر آن داشته تا حتی زمانی که کارخانه‌هایشان خالی است ماشین‌هایشان را به کار اندازند.»

همچنین می‌توان حدس زد وقتی کسانی که در رأس قدرتمند متوجه این تقلب می‌شوند چه پیش خواهد آمد: مدیران محلی متهم به خرابکاری و به‌شدت مجازات خواهند شد و بدین‌سان دور باطل بی‌اعتمادی بازتولید می‌شود... در اینجا به جولیان آسانژی چینی نیاز داریم که این جنبه پنهان روش برخورد دولت چین را با اپیدمی برای مردم افشا کند. پس اگر این

کمونیسمی که من در نظر دارم نیست، مراد من از کمونیسم چیست؟ برای درک منظور من، کافی است اعلامیه‌های عمومی

سازمان بهداشت جهانی را بخوانید - این یکی از اعلامیه‌های اخیر آن سازمان:

تدروس ادهانوم گبرئیسوس، دبیر کل سازمان بهداشت جهانی، هفته گذشته گفت اگرچه مقامات بهداشت عمومی در سراسر

جهان توانایی مبارزه موفق با شیوع این ویروس را دارند، سازمان ما نگران است که تراز تعهد سیاسی در بعضی کشورها از تراز

تهدید کنونی پایین‌تر باشد. «حالا زمان آزمون و خطا نیست. وقت دست روی دست گذاشتن نیست. وقت بهانه‌آوردن و عذر

تراشیدن نیست. وقت آن است که از هیچ کوششی فروگذار نکنیم. بعضی کشورها چند دهه است مشغول برنامه‌ریزی برای

سناریوهایی نظیر این بوده‌اند. حال وقت پیاده‌کردن آن برنامه‌ها رسیده است.» به گفته تدروس، «این بیماری همه‌گیر را

می‌توان عقب راند، منتها فقط با رویکردی جمعی و جامع و هماهنگ که کل دستگاه حکومت را درگیر کارزار کند.»

می‌توان به این گفته‌ها افزود که رویکردی چنین جامع باید بسیار فراتر از دمودستگاه تک‌تک حکومت‌ها برود: می‌باید شامل

بسیج محلی مردم برون از دایره نظارت دولت‌ها و همچنین تشریک مساعی و همکاری قوی و مؤثر بین‌المللی گردد.

اگر هزاران نفر به علت مشکلات تنفسی در بیمارستان‌ها بستری شوند، به شمار روزافزونی از دستگاه‌های تنفس مصنوعی نیاز

خواهد بود و برای فراهم کردن آن‌ها دولت باید مداخله مستقیم کند، به همان ترتیب که در اوضاع و شرایط جنگی مداخله

می‌کند، هنگامی که به هزاران هزار سلاح نیاز است و چاره‌ای جز تکیه به تشریک مساعی سایر دولت‌ها ندارد. عین یک

عملیات نظامی، باید اطلاعات را به اشتراک گذاشت و نقشه‌ها کاملاً هماهنگ شده اجرا شود - منظورم از «کمونیسمی» که

امروز بدان محتاجیم همین است، یا به قول ویل هاتن، اقتصاددان سیاسی بریتانیایی، «هم‌اینک، یک شکل از جهانی شدن

مبتنی بر بازار آزادِ فارغ از نظارت دولت که گرایش ساختاری به تولید بحران و بیماری‌های همه‌گیر دارد قطعاً در حال احتضار

است. اما صورت دیگری از جهان‌گستری که وابستگی متقابل و اولویت کنش جمعی متکی بر شواهد محکم و ادله قوی را به رسمیت می‌شناسد دارد به دنیا می‌آید.»

- ضرورت هماهنگی و همکاری جهانی

در حال حاضر موضع غالب این است که «مسئولیت هر کشور با خودش». ویل هاتن در گاردین می‌نویسد «ممنوعیت‌های ملی بر صادرات محصولات کلیدی چون لوازم پزشکی در کار است و بعضی کشورها، در میانه کمبودهای محلی و رویکردهای قاراشمیش ابتدایی به مهار اوضاع، دست به دامان تحلیل خودشان از بحران می‌شوند».

شیوع همه‌گیر کروناویروس فقط نشان‌دهنده حد جهان‌گستری بازار آزاد نیست. در ضمن نشان‌دهنده حد به‌مراتب مهلک‌ترِ پوپولیسم ناسیونالیستی است که بر حاکمیت کامل دولت اصرار می‌ورزد: دیگر نمی‌توان از شعار «اول آمریکا (یا هر کس دیگر)!» حرف زد چراکه آمریکا را فقط از راه تشریک مساعی و همکاری جهانی می‌توان نجات داد.

خیال نکنید مشغول آرمان‌پروری و خیال‌پردازی‌ام. من دست به دامان همبستگی آرمانی شده میان مردمان نمی‌شوم - برعکس، بحران کنونی به‌وضوح نشان می‌دهد تشریک مساعی و همکاری جهانی به نفع بقای همگان و بقای تک‌تک ماست و تنها کاری است که می‌توان بر اساس خودخواهی عقلانی انجام داد. مسئله فقط بر سر کروناویروس نیست: خود کشور چین چند ماه پیش درگیر شیوع آنفولانزای خوکی در مقیاسی مهیب شد، و هم‌اکنون با تهدید قریب‌الوقوع هجوم ملخ‌ها دست به گریبان است. به‌علاوه، همانطور که اوئن جونز گوشزد کرده، بحران آب‌وهوایی بسیار بیش از کروناویروس مردمان را در سراسر جهان می‌کشد، اما این حقیقت خوفناک کسی را هول نمی‌کند، کسی ککش هم نمی‌گزد.

اگر از زاویه دید شکل بدبینانه‌ای از زندگی‌باوری به موضوع نگاه می‌کردیم، شاید وسوسه می‌شدیم کروناویروس را عفونتی سودمند تلقی کنیم که به نوع بشر امکان می‌دهد از شر افراد پیر و ضعیف و بیمار خلاص شود، انگار که بدین ترتیب می‌تواند علف‌های هرز نیمه‌پوسیده را از ریشه درآورد. از این منظر، کروناویروس عفونتی ثمربخش می‌نماید که به سلامت همه انسان‌های کره زمین مدد می‌رساند.

رهیافت کمونیستی موسعی که من از آن دفاع می‌کنم یگانه راه واقعی برای پشت سر نهادن چنین دیدگاه زندگی‌باور ابتدایی است. نشانه‌هایی از افول همبستگی بی‌قید و شرط همین حالا در مناقشات جاری به چشم می‌خورد، مانند یادداشت ذیل، در شرایطی که شیوع این ویروس در بریتانیا به حد فاجعه نزدیک شود، درباره نقش «سه فرزانه»^۱ هشدار داده‌اند: «می‌توان از ارائه خدمات نجات‌بخش در شرایط طغیان کروناویروس در بریتانیا به بیماران تحت پوشش نظام سلامت همگانی خودداری کرد اگر بخش‌های مراقبت ویژه با مشکلات جدی مواجه شوند. بنا به مفاد توافق‌نامه موسوم به پروتکل «سه فرزانه»، سه مشاور ارشد در هر بیمارستان و ادار خواهند شد درباره جیره‌بندی لوازم مراقبت از بیماران، نظیر دستگاه‌های تنفس مصنوعی و تخت‌ها، در صورتی که ظرفیت بیمارستان‌ها پر شود تصمیم بگیرند.»

این «سه فرزانه» بر اساس چه معیارهایی باید تصمیم بگیرند؟ قربانی کردن ضعیف‌ترین و پیرترین بیماران؟ و آیا این وضعیت زمینه‌ساز فساد دامن‌گستر نخواهد شد؟ آیا رویه‌هایی از این دست نشان نمی‌دهند ما رفته‌رفته آماده اجرای سبعانه‌ترین منطق تنازع بقا و بقای انساب می‌شویم؟ پس بار دیگر انتخاب آخر این است: یا این یا تلاش برای بازآفرینی نوعی کمونیسم.

منبع: راشاتودی

□ طبق پروتکل «سه فرزانه» (Three wise men) در بریتانیا باید سه پزشک و در واقع سه مشاور ارشد در زمان ازدحام بیماران در بیمارستان‌ها درباره ارائه خدمات درمانی نظیر تخت و دستگاه تنفس و سایر خدمات ضروری پزشکی به بیماران تصمیم بگیرند. در هنگام شیوع همه‌گیر ویروس کرونا در این کشور «سه فرزانه» تصمیم می‌گیرند که اگر واحدهای مراقبت ویژه در یک مرکز درمانی کمبود امکانات داشتند، از ارائه خدمات درمانی به برخی از بیماران که حال‌شان وخیم است خودداری شود. «سه فرزانه» اشاره دارد به سه معنی که بر اساس انجیل متی برای ارج نهادن به عیسی در روز تولدش به دیدار او رفتند. م